امتیاز

چهارشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۰
۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ ● ۱۷ نوامبر ۲۰۲۱
شماره ۳۳۲۴ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ٦٦٥٩٦٨٠٩
آگهی دولتی: ٦٦٥٦٧٧٦٤ - آگهی شهرستان ها: ٦٦٦٥٠٠٩٩
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

سینما تک و یک اتفاق جذاب

یک شب خوب با عباس کیارستمی و امیرنادری

فیلم «تجربه» به کارگردانی عباس کیارستمی با پیام تصویری امیر نادری کارگردان سرشناس سینمای ایران پس از سال ها در خانه هنرمندان ایران به نمایش درآمد.

شامگاه ۲۴ آبان ماه سینما تک خانه هنرمندان ایران میزبان علاقه مندانی بود که آمده بودند، فیلم «تجربه» را که در سال ۵۱ به نویسندگی امیر نادری و عباس کیارستمی ساخته بود به تماشا بنشینند.

پس از پخش پیام تصویری امیر نادری، سیف الله صمدیان هنرمند عکاس و مستندساز از مخاطبان خواست تا پیامی به امیر نادری بدهند و او پیام مخاطبان را همگی دسته جمعی می گفتند، «امیر جان منتظرتیم» با دوربین موبایلش ضبط کرد.

در خلاصه فیلم «تجربه» آمده است: ممد، نوجوان یتیمی است که پیک یک استودیو عکاسی است و شب‌ها هم در همان‌جا می‌خوابد. او نسبت به دختری از یک طبقه اجتماعی ثروتمندتر، عشقی افلاطونی پیدا می‌کند. یک روز که فکر می‌کند دختر به اوِ لبخند زده، تصمیم می‌گیرد به خانه دختر برود و شغلی به عنوان خدمتکار درخواست کند تا به دختر نزدیک‌تر شود، اما ...

سیف‌اله صمدیان در مراسم نمایش فیلم تجربه بیان کرد: در مراسم نکوداشت اخیری که برای عباس کیارستمی در برلین برگزار شد، از کسانی که درباره او فیلمی ساخته بودند دعوت به صحبت شد. من شش دقیقه‌ای درباره تجربه همراهی با زنده‌یاد کیارستمی صحبت کردم، اما امیر نادری بر خلاف عادت همیشگی‌اش که مابین حرف‌هایش می‌گوید: «کات»، پیوسته درباره او صحبت کرد. زیرا به ۵۰ سال قبل پل زده و یاد کرده بود از زمانی که نوجوانی ۱۳ ساله بود و به تهران آمده و شب‌ها در عکاسخانه‌ای که در آن کار می‌کرد می‌خوابید تا خود را به سینمای جهان وصل کند. زندگی امیر نادری برای عباس کیارستمی جالب به نظر می‌رسد و چون او بیش از همه ما به باورپذیر شدن قصه‌ها باور داشت، داستان زندگی امیر نادری را با ساده کردن‌های مختص خود، ساده و به فیلم «تجربه» تبدیل کرد.

وی افزود: گفته‌های امیر نادری در ۲۵ دقیقه درباره همکاری با کیارستمی به من رسید و او از من خواست تا آن را با اهل دل‌ها در میان بگذارم و خانه هنرمندان ایران را بهترین جا برای آن دیدم. به امیر نادری در غربت سخت گذشته است. او آرزو دارد به ایران بازگردد و در آبادان برای بچه‌ها مدرسه سینمایی تاسیس کند. یک روز عباس کیارستمی به من گفت اگر قرار باشد در دنیا یک نفر جایزه بگیرد، او امیر نادری است چراکه سینما را زندگی کرده است. سینما برای خیلی از ما شاید بخشی از زندگی‌مان و کارمان است اما امیر نادری در سینما ذوب شده است و لحظه به لحظه از آن حرف می‌زند.

در ادامه این برنامه صمدیان از خسرو معصومی کارگردان سینما و سایر حاضران در سالن خواست تا برای امیر نادری در ویدیویی یک پیام بفرستند و همه یک‌صدا فریاد زدند: امیر جان منتظرت هستیم و برای او دست تکان دادند.

خسرو معصومی نیز در پیامی به همتای فیلمساز خود گفت: امیر جان جایت در ایران بسیار خالی است. ما می‌خواهیم که به ایران برگردی و در اینجا فیلم بسازی.

در ادامه فیلم «تجربه» به نویسندگی امیر نادری و عباس کیارستمی و کارگردانی کیارستمی محصول سال ۱۳۵۱ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران نمایش داده شد و بعد ویدیویی از صحبت‌های مفصل امیر نادری درباره همکاری و رفاقت با کیارستمی و شکل‌گیری ایده تا پرداخت داستان فیلم «تجربه» پخش شد.

امیر نادری در این ویدیو بیان کرد: برای من کار مشکلی است درباره عباس کیارستمی صحبت کنم در حالیکه خودش حضور ندارد و این کاری غم‌انگیز است. فیلم «تجربه» داستان زندگی من است و همراه با عباس آن را نوشته‌ام.

وی در پاسخ به این سوال که چگونه با کیارستمی آشنا شده است، گفت: با عباس کیارستمی در سال‌های ۴۷ و ۴۸ آشنا شدم و مدتی با هم برای فیلم‌های جریان «موج نو» تیتراژ می‌ساختیم. من عکس می‌گرفتم و او دیزاین می‌کرد و به مرور با یکدیگر بسیار رفیق شدیم. او نگاهی به فیلمساز شدن نداشت و من از سینما حرف می‌زدم. برایم جالب بود که من بسیار هیجانی بودم و او آرام و این موضوع انگار رفاقت ما را بیشتر می‌کرد.

وی ادامه داد: وقتی به تهران آمدم و ۱۲ ساله بودم، به عکاسی علاقه زیادی داشتم و در یک عکاسخانه کار می‌کردم و چون دیروقت کارم تمام می‌شد به خانه برادرم نمی‌رفتم و شب‌ها در همانجا می‌خوابیدم. یک رادیو در عکاسی بود و من با آن و عکس‌هایی که دورم بود زندگی‌ام را می‌گذراندم. عاشق عکس‌ها می‌شدم، پیچ رادیو را باز می‌کردم و دنیای خیلی دوری به من معرفی می‌شد. موسیقی را با پارازیت‌هایش می‌شنیدم و این کشف شبانه پایه‌های اساسی زندگی‌ام را در سال‌های بعد بنیان گذاشت. در همین دوران دختری همراه با پدرش به عکاسخانه می‌آمد و عکس می‌گرفت و من عاشق او شده بودم. به در خانه‌شان می‌رفتم و می‌خواستم به نوعی همراه او باشم و از هر فرصتی برای دیدنش استفاده کنم و داستان فیلم تجربه از این ماجرا می‌آید.

کارگردان «دونده» در پاسخ به این سوال که «ایده فیلم از او بوده است یا عباس کیارستمی؟» عنوان کرد: در دورانی که همراه با عباس کیارستمی عکاسی می‌کردیم، مرحوم فیروز شیروانلو در کانون که حق بزرگی بر گردن سینمای ایران دارد، آرتیست‌های جوانی را دور هم جمع کرده بود و امکان خلق و اجرای ایده‌هایشان را برای آن‌ها فراهم کرده بود. عباس نیز برای صفحات موسیقی جلد طراحی می‌کرد و زندگی کافکاواری داشت. من هم در آن دوران کم کم به خواندن داستان‌های کوتاه به ویژه از ارنست همینگوی علاقه‌مند شده بودم. همچنین چخوف می‌خواندم که مورد علاقه عباس نیز بود و به تدریج شروع به داستان‌نویسی کردم و عباس کیارستمی و احمدرضا احمدی من را به نوشتن داستان زندگی‌ام تشویق کردند.

نادری در ادامه به این سوال پاسخ داد که چگونه و با چه روندی همراه با زنده‌یاد کیارستمی بر فیلمنامه «تجربه» کار کردید؟

وی گفت: من و عباس وقتی می‌خواستیم فیلمنامه‌ای بنویسیم معمولا به دنبال شرایط شلوغ به لحاظ صوتی بودیم؛ برای مثال سر چهارراه و نه یک کافه می‌رفتیم یا در خیابان‌ها درباره زندگی‌مان گپ می‌زدیم. در روزهای تعطیل و خلوت شهر گویی حرف‌مان نمی‌آمد. هر روز چیزهایی یادداشت می‌کردیم و روز بعد برای هم می‌خواندیم و کم کم فیلمنامه «تجربه» در همین جریان شکل گرفت. عباس بسیار گوش کردن من به رادیو و به خواب رفتن با پیچ باز آن را در قصه می‌پسندید. شب‌های عکاسخانه وقتی به رادیو گوش می‌دادم، سرم روی شیشه میز بود و خوابم می‌برد و صبح‌ها با خرخر رادیو از خواب برمی‌خاستم و این بخش برایش جذاب بود. او سکوت خود را به این فیلمنامه وارد کرد و ویژگی‌های دیگری که متعلق به کیارستمی بود. ادغام دنیای شلوغ من با سکوت کیارستمی باعث شد ماجرای کشف‌های پسربچه در فیلم، شناخت او از عشق، اذیت شدن و ضربه خوردن و رویا داشتن و... را بتوانیم به دست بیاوریم.

کارگردان «خداحافظ رفیق» در پاسخ به این سوال که عکس و عکاسی در کودکی‌تان چقدر نقش داشته و به آن اهمیت می‌داده است، توضیح داد: آن دوران، زندگی من را ساخت. همچنین کشف صدا که اکنون در فیلم‌هایم بسیار اهمیت دارد، ماحصل آن دوران است. صدا و لوکیشن برای من گاهی در فیلم‌هایم از قصه بیشتر اهمیت دارد. کشف عکاسی و عکس در آن مقطع سنی بر من تاثیر زیادی گذاشت. بعدها کارتیه برسون و عکس‌هایش را کشف کردم و این‌ها، راه من را به فیلمسازی رساند.

سوال بعدی از نادری در ویدیو این بود که در فیلم لحظاتی پرتنش شبیه به یک فیلم تریلر وجود دارد و بیننده را با این سوال درگیر می‌کند که آیا پسربچه به موقع به عکاسخانه برمی‌گردد یا نه؟ وی درباره نحوه خلق این لحظات بیان کرد: تمام ۸ تا ۱۰ صفحه‌ای که نوشتم، به نوعی درباره این انتظار بود. این که شب است یا روز، یا صاحب عکاسخانه پسربچه را گیر می‌اندازد یا نه؟ دائما این دلهره در من بود و عباس کیارستمی نیز استاد طرح این دلهره و نگرانی و شدن‌ها و نشدن‌ها در فیلم بود. او از خود به این قصه کوتاه چیزهای زیادی اضافه کرد.

نادری در ادامه در پاسخ به اینکه در فیلم یک خط داستانی عشقی نسبتا ملودراماتیک بر پایه اختلافات طبقاتی وجود دارد. این ایده چطور شکل گرفت؟ گفت: داستان من ملودراماتیک‌تر بود. من آن دختر را دیده و عاشقش شده بودم. تخیل من درباره او مدام جریان داشت و این حالت من دراماتیک‌تر از قصه‌ای بود که کیارستمی نوشت. زیرا او اساسا آدم آرام‌تری بود و خیلی هم خوب آن قصه را درآورد. شاید اگر من این فیلم را می‌ساختم، جور دیگری می‌شد. تجربه خوبی برای من بود که بدانم قصه زندگی‌ام را کسی دیگر چطور می‌سازد.

وی در پاسخ به این سوال که آیا در زمان ساخت این اثر در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از آن استقبال شد؟ بیان کرد: نه، این فیلم برای بچه‌ها و نه درباره بچه‌ها در کانون ساخته شد. سینمای جدید «ایرون» در کانون برای این به وجود آمد که بچه‌ها به جای اینکه تمام وقت‌شان در تابستان را در کوچه بازی کنند، به کتابخانه‌های کانون بروند و در فضای آنجا کتاب بخوانند و خوش باشند و ایده جدیدی از زندگی پیدا کنند و این ایده متعلق به مرحوم شیروانلو و خانم امیرارجمند بود. متاسفانه فیلم تحویل گرفته نشد اما این فیلم یک ویژگی مهم داشت؛ سیاه و سفید بود و توسط علیرضا زرین‌دست که یکی از بهترین‌های سینماست، فیلمبرداری شد و یک سیاه و سفید درجه یک است. ادغام کار زرین‌دست با گرافیکی بودن کار عباس کیارستمی دیزاین درجه یکی از حرکت دوربین، سکوت، اندازه لنز و همه دنیای من در قصه و آنچه کیارستمی از آن گرفته و خودش را در آن پیاده کرد، به دست داد.

وی در پاسخ به این سوال که آیا در طول همکاری با عباس کیارستمی در این اثر چیزهای جداگانه‌ای از یکدیگر آموختید؟ گفت: من اهل ریسک بودم و عباس کیارستمی محتاط بود. دنیای من و او با یکدیگر فرق داشت. من برای او ارزش زیادی قائل بودم و در موقعیتی که او را جز دوستان دوران مدرسه‌اش هنوز کسی نمی‌شناخت، خیلی زود فهمیدم فیلمسازی بزرگ در راه است. دنیای تاریک و کافکایی او با دنیای من فرق داشت. وقتی می‌خواست فیلم اولش «نان و کوچه» را بسازد ترس زیادی داشت و من او را تشویق می‌کردم. موسیو عباس زیاد خودش را بیان می‌کرد. گوش می‌کرد و انجام می‌داد و شگفت‌زده‌ات می‌کرد. «نان و کوچه» بنیان طرز فکر خودش را آنطور که بزرگ شده بود با همه دلهره‌ها و نگرانی‌هایش نشان داد. برای ساخت فیلم دومش «زنگ تفریح» نیز او را تشویق کردم که آن را هم علیرضا زرین‌دست فیلمبرداری کرد؛ فیلمی سیاه و سفید که بازیگر نقش یک خیلی خوبی دارد. با هم همیشه سر اینکه یک فیلم مثلا ۲۰ فریم کم و زیاد دارد بحث می‌کردیم. خوش بودیم و می‌خندیدیم. از عباس کیارستمی آموختم هرکس می‌تواند خودش باشد و به همین دلیل برای هم ارزش زیادی قائل بودیم. بنابراین فیلمسازی‌مان از هم تاثیر نمی‌پذیرفت زیرا هرکس کار خودش را می‌کرد.

نادری در پاسخ به اینکه نگاه آن‌ها به فیلمسازی چگونه بود در حالی که در زمان ساخت فیلم تجربه، هر دو آن‌ها در مسیر ابتدایی فیلمسازی خود بودند بیان کرد: کیارستمی در آن دوران در کانون کار می‌کرد اما من نه. من سه فیلم «خداحافظ رفیق»، «تنگنا» و «تنگسیر» را ساخته بودم و بعد تصمیم گرفتم دیگر فیلم اسطوره‌ای نسازم. به دلیل این که مدام با عباس درباره زندگی‌مان حرف می‌زدیم، تصمیم گرفتیم درباره آنچه خودمان هستیم فیلم بسازیم. من هر روز به دفتری که در آن کار می‌کرد، می‌رفتم، من پیپ می‌کشیدم و او سیگار می‌کشید و درباره زندگی آینده و فیلم‌هایی که می‌خواستیم بسازیم، حرف می‌زدیم و شاید به نوعی راهی را که سینمای ایران آمد، پی‌ریزی کردیم که چطور تکنیک از غرب بیاید اما حرف‌مان در فیلم از دل.

او در پاسخ به این سوال که آیا کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران فرصتی برای آزمون و خطا در زمینه فیلمسازی در زمانی که کیارستمی کارمند آنجا بود، در اختیارش قرار می‌داد، بیان کرد: او باید سالی ۵۲ دقیقه فیلم می‌ساخت، فیلم‌هایی آموزشی برای بچه‌ها که مثلا چطور مسواک بزنند یا با پدر و مادرشان چه‌طور برخورد کنند و مجموع آنها ۵۲ دقیقه می‌شد. حقوق او کفایت زندگی‌اش را نمی‌کرد و بعد از ظهرها بعد از کار کمد و صندوق تزیینی می‌ساخت. یا نقاشی می‌کشید. وقتی این کارها را از او می‌دیدم می‌دانستم فیلمسازی مهم در راه است. هر قلم و هر کارش مهری از هنر همراه با سکوت در آن حس می‌شد؛ آنچه که عباس کیارستمی بود. همین روزها فهمیدیم که چه راهی را پیش رو داریم و چه راه مشکلی هم است. آخرین بار او را در ژاپن دیدم و شامی با هم خوردیم. با خانم گلپریان برای فیلمی که می‌خواستند در ژاپن بسازند، به آنجا آمده بودند، مدت طولانی پیاده راه رفتیم و برای اولین بار درباره زندگی‌اش با من مفصل صحبت کرد. درباره منع‌های زندگی و خانواده‌اش و بسیاری از مسائل دیگر. وقتی از هم جدا شدیم احساس تلخی داشتم مبنی بر اینکه نکند... گفتم هرگز و برایم تصورش غیرممکن بود.

او ادامه داد: بعدها در فستیوال دیگری هم را دیدیم. او از بالا رفتن سن می‌ترسید. می‌گفت ۷۰ سن بدی است انگار انسان را به سرازیری می‌رساند. او آدم بسیار موفقی بود. دنیا می‌شناختش. وقتی فیلمش در کن جایزه گرفت، و من هم فیلمم از آمریکا در آنجا بود، هنگام دریافت جایزه ناگهان سکوتی شد و من بلند شدم و به او تبریک گفتم. با فاصله تلاش می‌کرد صدا را پیدا کند و بعد از دریافت جایزه، تمام شب با این که همه می‌خواستند با او دیدار کنند، ما با هم دیدار داشتیم و کلی گپ زدیم. هر دو تغییر زیادی کرده بودیم، نوستالوژیک نبودیم اما یاد گذشته کردیم و طبق قرار دوباره هم را دیده بودیم. او چند ویژگی درجه یک داشت. خواننده خوبی بود. صدای فوق‌العاده داشت. کوتاه سخن می‌گفت و خوب گوش می‌کرد. تاثیر زیادی بر نسل خود و بعد از خود گذاشت. او می‌ماند کمااینکه مانده است و من نباید این را بگویم. یادش همیشه نزد من است.

وی خطاب به زنده‌یاد کیارستمی گفت: موسیو عباس نمی‌گویم جایت خالی است. زیرا همه جا هستی. نسل جوان «ایرون» و هم‌نسلان ما ارادت زیادی به تو دارند. عباس جان نوکرتم و قربانت بروم.

کیوان کثیریان - مدیر سینما تک - نیز در این برنامه گفت: به دلیل اینکه قصد داشتیم برنامه سینماتک جریانی پیوسته داشته باشد، در دو سال اخیر درگیری با کرونا آن را برگزار نکردیم تا به تدریج شرایط به روال عادی برگردد. اعضای سینماتک می‌توانند همچنان به تماشای آثار در سینماتک بنشینند و عضوگیری جدید نیز به زودی آغاز خواهد شد.

یک فنجان چای داغ

دعوت به یک بازجویی عاشقانه

این هم یک بازجویی است اما دلیل آن یک مساله سیاسی یا جنایی نیست، این بازجویی کاملا خودخواسته است و دلیلش هم از دست دادن یک رابطه عاشقانه است.

این خلاصه‌ای است از نمایش «علاقمندی چنان است که بازجویی» که به نویسندگی و کارگردانی میلاد اردوبادی و با تهیه کنندگی سجاد افشاریان در سالن شهرزاد روی صحنه است.

کارگردان این نمایش در گفتگو با ایسنا این اثر نمایشی را حاصل تنهایی‌های دوران کرونا می‌داند و تاکید میکند که اعتقادی به تئاتر فست فودی و شتابزده ندارد.

او در آغاز در توضیح محتوای این نمایشنامه می‌گوید: کسی از دیگری می‌خواهد تا به دلیل خطایی که در گذشته مرتکب شده، از او بازجویی کند و این خطا از دست دادن یک رابطه عاشقانه است که در خلال آن سری هم به تاریخ معاصر می‌زنیم و گوشه‌هایی آشنا از این تاریخ را مرور می‌کنیم.

اردوبادی این نمایشنامه را حاصل تنهایی‌ها و خانه نشینی‌های دوران کرونا می‌داند، زمانی که هریک از ما در خلوت خویش، بخش‌های زیادی از زندگی خود را مرور کرده‌ایم و به دلیل کارهایی که در گذشته انجام داده‌ایم، خود را قضاوت یا توبیخ کرده‌ایم.

این نمایش با حضور دو بازیگر روی صحنه می‌رود که البته راوی کارکترهای دیگر هم هستند.

اردوبادی که پیش از کرونا مشغول آماده‌سازی کار پر پرسوناژ بوده، بعد از اینکه اجرای آن اثر منتفی می‌شود، این نمایش دو پرسوناژه را دست می‌گیرد تا اجرای آن در دوران کرونا ممکن باشد.

این کارگردان که بیش از یک سال نمایش «علاقمندی چنان است که بازجویی» را تمرین کرده، در این زمینه توضیح می‌دهد: اصولا تمرین‌های طولانی دارم. تمرین این نمایش در دو مقطع و به مدت یک ماه متوقف شد ولی خارج از شرایط کرونایی هم به تمرین طولانی عادت دارم چون از نظر من تمرین شتابزده در تئاتر، امکان‌پذیر نیست. ما هم از بزرگان تئاتر کشور خودمان و دنیا آموخته‌ایم که خلق یک نمایش در پروسه‌ای طولانی مدت اتفاق می‌افتد. همچنانکه یکی از بهترین تعاریف درباره بازیگری را گروتفکسی ارایه داده و بازیگری را شهود می‌داند، قطعا این شهود در دوره‌ای کوتاه مدت رخ نمی‌دهد.

اردوبادی با ارایه توضیحاتی درباره روند تمرین این نمایش اضافه می‌کند: شرایط کرونایی سبب شد نمایش‌های کمتری روی صحنه بروند. البته بازیگرانم هم به من محبت داشتند و پیشنهادهای خود را برای بازی در آثار دیگر نپذیرفتند. آنها تمام انرژی خود را برای این کار گذاشتند و حتی مواقعی که من کم انرژی می‌شدم، پای کار ایستادند و به من انگیزه دادند. بنابراین تئاتر برای گروه ما، چیزی بیش از خواندن متن و انتقال آن به تماشاگر است. تئاتر نیازمند یک همزیستی است که اگر آن را تجربه نکرده باشیم، نمی‌توانیم چیزی را به تماشاگر منتقل کنیم.

او ادامه می‌دهد: بازیگران من با مهربانی تواستند بدخلقی‌های مرا در دوران تمرین و آماده‌سازی این نمایش تحمل کنند و این کارشان جای تقدیر دارد.

این کارگردان در پاسخ به این سخن که بسیاری از فعالان تئاتر معتقدند جلب اعتماد مخاطب برای حضور در سالن‌های تئاتر پروسه‌ای زمان‌بر خواهد بود، می‌گوید: این اعتمادسازی اتفاق افتاده و در مورد بعضی از اقشار خیلی بیشتر هم رخ داده است. به عنوان نمونه بیشتر تماشاگران تئاتر در مقطع کرونایی، جوانان زیر ۳۰ سال هستند. کسانی که تازه از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند راحت‌تر به سالن تئاتر می‌آیند ولی سنین بالاتر محتاط‌تر عمل می‌کنند که البته حق هم دارند چون در سنین پایین‌تر، افراد قابلیت ریسک‌پذیری بیشتری دارند.

اردوبادی درباره سختی کار تئاتر در دوران کرونا می‌گوید: خیلی از دوستان درباره این موضوع صحبت کرده‌اند ولی به نظرم وقتی هنوز در این مقطع هستیم، نمی‌توان درباره آن تحلیل درستی ارایه داد اما کاملا آگاهم که نمایشم حاصل همین دوره است. متن را سال ۹۹ نوشته‌ام و در اجرا هم اشاره‌هایی به مقطع کرونا داریم و همانطور که توضیح دادم، این نمایشنامه حاصل تنهایی‌های دوران کروناست.

او در بخش پایانی این نمایش توضیحاتی درباره همکاری سجاد افشاریان به عنوان تهیه‌کننده با اجرای این اثر نمایشی ارایه می‌دهد و می‌گوید: چه کارهای سجاد افشاریان را دوست داشته باشیم و چه دوست نداشته باشیم، اولین اسمی که در نمایش ما جلب توجه می‌کند، اسم اوست و مخاطب نسبت به اسم من و بازیگران، کمتر حساسیت نشان می‌دهد.

اردوبادی اضافه می‌کند: بعضی، این نمایش را با دیگر نمایش‌هایی که سجاد تهیه کرده، مقایسه می‌کنند ، درباره پروژه‌های دیگرش اطلاعی ندارم ولی می‌دانم که حضور او در این نمایش خیلی رفیقانه بوده است. واقعیت این است که اگر همه کارهای سجاد را کنار بگذاریم، او در تئاتر به عنوان یک تهیه‌کننده همراه، مطرح است، کسی که راه‌ها را باز می کند و کمک حال گروه می‌شود. او سرمایه کلانی نمی‌آورد و این کارش کاملا درست است ولی به کسانی مانند من که در تئاتر چندان شناخته شده و پر ارتباط نیستند، کمک می‌کند تا یکسری کارها و مواجهه با بعضی از افراد، راحت‌تر جلو برود. سجاد این درها را باز می‌کند. خود من سال‌هاست در تئاتر فعالیت می‌کنم ولی همیشه دور ایستاده‌ام و افراد محدودی را می‌شناسم اما دایره دوستان و ارتباط‌های سجاد برای من کمک‌کننده است. ضمن اینکه ما یک دوستی ۱۶ ساله داریم و او برایم بسیار عزیز است.

نمایش «علاقمندی چنان است که بازجویی» با بازی مرجان خاکساری و بهراد سلاح ورزی هر شب ساعت ۱۸ در سالن صنبور تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود.

نوبت اول

مناقصه عمومی خدمات ایاب و ذهاب

سازمان تحقیقات ، آموزش و ترویج کشاورزی در نظر دارد انجام امور خدمات ایاب و ذهاب خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره ۲۰۰۰۰۹۱۷۹۰۰۰۰۰۱۶ برگزار نماید . کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند . تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۶ ساعت ۸ صبح می باشد .

شرایط بر گزاری مناقصه :

الف) آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت تا ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۹/۱ و ارائه پیشنهادات تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۳ می باشد .

ب) زمان بازگشایی پاکتها ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۹/۷ می باشد .

پ) تلفن تماس و هماهنگی : ۱۶-۲۲۴۱۴۴۱۳ داخلی ۳۶۸ آقای دارینی

ت) صرف شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد ایجاد حق برای شرکت کننده و ایجاد تکلیف و یا سلب اختیار برای سازمان نمی نماید و در چارچوب قوانین و مقررات و صرفه و صلاح سازمان هر یک از پیشنهاد ها قبول یا رد می شود.

ث)هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

دبیر خانه کمیسیون معاملات سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
شناسه آگهی ۱۲۲۲۳۵۷
م الف ۲۸۲۵

نوبت اول

فراخوان ارزیابی کیفی

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی
شرکت پالایش نفت آبادان (سهامی خاص)

شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه های مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت، نسبت به ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در مناقصات اقدام نمایند. ضمناً آگهی مناقصات این شرکت بصورت همزمان در روزنامه های کثیرالانتشار و وب سایت شرکت پالایش نفت آبادان به آدرس WWW.ABADAN- REF.IR درج و قابل مشاهده می باشد.

-از مناقصه گران واجد شرایط که آمادگی و توانایی انجام هر یک از مناقصه های ذیل را دارند دعوت بعمل می آید جهت شرکت در مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس صدرالاشاره مراجعه و پس از دریافت اسناد مربوط به ارزیابی کیفی (دفتر چه شماره یک و معیارهای ارزیابی کیفی بصورت رایگان) و مطالعه و تکمیل آن به همراه کلیه مدارک مورد نیاز مطابق با برنامه زمان بندی مربوطه، نسبت به بارگذاری اسناد مذکور در سامانه اقدام نمایند.

-تکمیل کلیه اطلاعات خواسته شده در فرمهای ارزیابی کیفی مناقصه گران به صورت دقیق و خوانا و بارگذاری تمامی مدارک و مستندات، سوابق کاری و مالی و همچنین ارائه صورت های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و یا اعضای جامعه حسابداران رسمی در قراردادهای با مبلغ بیش از ده برابر نصاب معاملات متوسط الزامی است، (عدم ارایه صورت های مالی حسابرسی شده منجر به عدم انعقاد قرارداد با برنده مناقصه می شود(

در صورت عدم تکمیل و بارگذاری کامل اسناد استعلام ارزیابی کیفی و سایر مدارک فوق الاشاره، صلاحیت شرکت کنندگان قابل بررسی نخواهد بود و بارگذاری مدارک و سوابق مزبور هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد. ضمنا مناقصه گران می بایست علاوه بر بارگذاری اسناد(حاوی رزومه، سوابق شرکت بهمراه تصویر مصدق شده آخرین تغییرات و دفترچه تکمیل شده شماره یک بهمراه اسناد مورد نیاز مندرج در دفترچه مذکور) و همچنین در صورت نداشتن رزومه و یا جهت به روز رسانی رزومه در کمیته فنی بازرگانی این شرکت ، نسبت به ارسال مدارک به آدرس کمیسیون مناقصات شرکت پالایش نفت آبادان – صندوق پستی 111 اقدام نمایند. لازم بذکر است از مناقصه گرانی که در ارزیابی کیفی تائید شوند از طریق سامانه ستاد جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.

-مناقصه گرانی که در ارزیابی کیفی تائید شده اند در مرحله ارائه پیشنهاد می بایست تصویر تضمین شرکت در مناقصه را در پاکت الف سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بارگذاری کرده و اصل آن را در یک پاکت سربسته تا قبل از زمان گشایش پیشنهادها به دبیر خانه کمیسیون مناقصات واقع در دفتر مرکزی شرکت پالایش نفت آبادان تسلیم نمایند.

-اطلاعات تماس و نشانی دستگاه مناقصه گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد: آبادان- حاشیه اروند رود- جنب دروازه اصلی پالایشگاه- امور پیمانهای شرکت پالایش نفت آبادان

تلفن ۵۳۱۸۳۳۳۸-۰۶۱ و شماره نمابر : ۵۳۰۸۰۰۰۷-۰۶۱

ردیف	شماره مناقصه در دستگاه مناقصه گزار	شماره مناقصه در سامانه ستاد	موضوع	محل اجرا	مدت	مبلغ برآورد پایه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	مناقصه عمومی شماره ۰۰/۴۵	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۳۰۰	ارائه خدمات دفتری، امور خدماتی،روانشناسی و بازرسی بهداشت درمانگاه صنعتی شرکت پالایش نفت آبادان	آبادان	یکسال شمسی	۱۹٫۷۷۶٫۱۵۵٫۳۳۰	۹۸۹٫۰۰۰٫۰۰۰	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۵ لغایت ۱۴۰۰/۹/۶ ب- مهلت ارائه و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران: مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۱
۲	مناقصه عمومی ۰۰/۵۸	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۳۰۱	ارائه خدمات راهبری و نگهداشت پادمان شهید تندگویان و ساختمان بیج	آبادان	یکسال شمسی	۲۴٫۸۰۵٫۲۵۴٫۹۳۲	۱٫۲۴۱٫۰۰۰٫۰۰۰	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۵ لغایت ۱۴۰۰/۹/۶ ب-آخرین مهلت ارائه و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران: مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۱
۳	تجدید مناقصه عمومی شماره ۹۸/۶۸	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۳۰۲	تعمیرات اساسی مخازن سقف ثابت و شناور (مخازن ۱۵،۲۱۵) و خطوط لوله مربوط به آن واقع در بندرصادراتی ماهشهر	بندرصادراتی ماهشهر	۱۲ ماه و ۱۵روزجهت و برچیدن کارگاه	۲۸۳٫۸۹۷٫۰۴۴٫۵۹۹	۹٫۵۷۸٫۰۰۰٫۰۰۰	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۰/۸/۲۵ لغایت ۱۴۰۰/۹/۶ ب- مهلت ارائه و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران: مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۱

شناسه: ۱۲۲۲۳۷۰

روابط عمومی - شرکت پالایش نفت آبادان